



روایت حجت‌الاسلام علی شیرازی از ۴۰ سال رفاقت و همکاری با سردار شهید حاج قاسم سلیمانی مرد کارهای سخت

اجازه چنین کاری نمی‌دهد. از همان جا مستقیم رفتم زندان. به عیدوک گفتم «مقام معظم رهبری، حکم به آزادی‌ات دادند. برو آزادی!» باور نمی‌کرد. گفت «من از زندان بیرون نمی‌روم!» وقتی فهمید خبر درست است، از مریدان آقا شد و همکاری مؤثری با ما کرد.

وقتی جنگ تمام شد به سردار سلیمانی مأموریت داده شد برای برخورد با اشرار مسلح جنوب شرق کشور، وارد عمل شود. آنها امنیت و آرامش را از استان‌های کرمان و سیستان و بلوچستان گرفته بودند. حاج قاسم، نیروهای لشکر ثارالله را به آنجا برد. ناامنی در جنوب کرمان و سیستان و بلوچستان به جایی رسیده بود که سرکرده‌های اشرار و قاچاقچیان مسلح، امثال همین عیدوک با خیال راحت در روستاها و کوهستان‌های منطقه، کارگاه‌های بسته‌بندی مواد مخدر راه انداخته بودند؛ حتی چند نفر گروگان در شهرهای شیراز و کرمان نگهداری می‌کردند!

با حاج قاسم درباره خاطراتش از رهبر معظم انقلاب صحبت می‌کردیم. می‌دانست چند سالی است مشغول تألیف کتاب مجموعه خاطرات افراد از رهبر معظم انقلاب هستم. آن روز فرصتی دست داد چند خاطره هم از او برای این کتاب بگیرم. یکی از این خاطرات، مربوط به زمانی بود که حاج قاسم در سیستان و بلوچستان درگیر مقابله با اشرار مسلح بود. یکی از سرکرده‌های اشرار شخصی به اسم «عید محمد بامری» - معروف به «عیدوک» - بود.

حاج قاسم گفت: با ترفندی، عیدوک را دستگیر کردیم. رفتم خدمت آقا تا این خبر مهم را به ایشان بدهم. آقا خوشحال شدند. بعد فرمودند «چطور او را گرفتید؟» گفتم «با او قرار گذاشتیم و سر قرار دستگیرش کردیم.» آقا فرمودند یعنی به او امان دادید؛ بعد دستگیرش کردید؟ همین الان بروید او را آزاد کنید. عرض کردم «آقا، آزادش کنیم؟» فرمودند «بله. شما به او تأمین داده‌اید، آمده. اسلام،

حجت‌الاسلام علی شیرازی
و حاج قاسم سلیمانی و
فرزندانشان / سال‌های آغازین
جنگ عراق علیه ایران

